

Freedom of Citizens in the Internet from the View of Islamic jurisprudence and Law^۱

Reza Ayazi

PhD. Student, International Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. ra@gmail.com

Hossein Sharifi Taraz Koohi

Professor, Department of Law, Imam Hossein University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**). hsharifit@yahoo.com

Batool Pakzad

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. b@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to review how much citizens are free to express their ideas on the internet, from the view of Islamic jurisprudence and law. The method of study is descriptive-analytic and the results indicate that Islam respects "freedom of speech" and has set its framework in some general aspects. The divine law which involves respecting the blessed name of God and His messenger should be considered in all aspects so every criminal act against that in the cyber space is regarded as a crime. From the view of Islamic penalty law, every criminal act that is recognized as a crime and the legislator has determined a penalty for that is involved in this framework so no one has a right to use the internet for such misconducts. Private rights are also included within these principles and no one has a right to use the internet to violate other people's privacy and deny their rights. Claiming rights is acknowledged for the loser part and the private rights of people in the cyberspace is quite respectable.

Keywords: Internet, Cyberspace, Freedom of Speech, Citizenship Rights.

^۱ Received: ۲۰۲۱/۰۴/۱۰ Revision: ۲۰۲۱/۰۵/۰۵ Accepted: ۲۰۲۱/۰۵/۲۲

**© the authors

آزادی شهروندان در اینترنت از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی^۱

رضا ایازی

دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ra@gmail.com

حسین شریفی طرازکوهی

استاد، گروه حقوق، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول). hsharifit@yahoo.com

بتول پاکزاد

استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. b@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان آزادی شهروندان در ابراز عقاید خود در اینترنت، از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که دین اسلام، ضمن احترام به «آزادی بیان» چارچوب آن را در چند جنبه کلی بیان کرده است. حقوق الهی که شامل احترام به نام مبارک خدا و فرستاده وی می‌باشد؛ می‌بایست در همه جنبه‌ها لحاظ گردد و هرگونه اعمال خلاف آن در فضای مجازی جرم محسوب می‌شود. از دیدگاه حقوق جزای اسلامی، هر عمل مجرمانه‌ای که جرم‌انگاری شده و قانون‌گذار برای آن مجازات تعیین نموده نیز در این چارچوب جای داشته و هیچ کس حق استفاده از اینترنت برای انجام چنین اعمالی را ندارد. حقوق شخصی نیز در این قواعد جای داشته و هیچ کس حق ندارد که از اینترنت با هدف تجاوز به حریم شخصی افراد دیگر استفاده کند و موجب تضییع حقوق افراد گردد. حق مطالبه حقوق طرف زیان‌دیده به رسمیت شناخته شده و حقوق خصوصی افراد در فضای مجازی کاملاً محترم است.

کلیدواژه‌ها: اینترنت، فضای مجازی، آزادی بیان، حقوق شهروندی.

مقدمه

مفهوم آزادی از عقاید اصیل حقوقی مستخرج بوده که در فقه اسلامی نیز جایگاهی خاص دارد. بیان اعتراض حق هر فردی شناخته شده که در بُعد سیاسی، آزادی بیان را توانایی بیان مخالفت نسبت به مسئولین دانسته‌اند. سیاست‌مداران نیز ضمن بالا بردن ظرفیت انتقادپذیری خود، حمایت از آزادی را نشان داده‌اند تا بدین صورت به الگویی برای آزادی بیان مبدل گردند. اما به صورت کلی دموکراسی غربی، مفاهیمی را به صورت مطلق بیان کرده و این مورد حتی برای خود آن‌ها نیز قابل تحمل نیست. مثلاً اعتراض به شکنجه مخالفان در حالی مطرح است که در تمامی کشورهای جهان نمونه‌هایی از آن مشاهده شده و لزوم حفظ امنیت ملی، کشورها را به اعمال خشونت‌بار واداشته و شکنجه بخشی از آن محسوب می‌گردد. ادعای دیگر دموکراسی غربی، آزادی مطلق در بیانات است. اما اگر به فرض، چنین وضعیتی در یک کشور برقرار باشد، طبیعتاً با دیگر اصول حقوقی متناقض خواهد بود. وظیفه قانون‌گذاران، وضع قوانین و نظارت بر عدم تناقض با دیگر منابع حقوقی است. اگر از دیدگاه همین دموکراسی غربی به موضوع نگریسته شود، حفظ اسرار خانوادگی و شخصی یکی از حقوق افراد است. آزادی مطلق بیان، امکان افشاء چنین اسراری را به همگان داده و در نتیجه دو اصل مهم حقوقی با یکدیگر تناقض دارد. منطقی حقوقی چنین بیان می‌کند که آزادی بیان همچون وسایل دیگر بوده که امکان استفاده صحیح و غلط داشته و لذا می‌بایست محدودیت‌هایی بر آن لحاظ نمود و خط قرمز این آزادی‌ها، تخطی از دیگر اصول حقوقی می‌باشد. دین مبین اسلام نیز محدودیت‌هایی را برای آزادی بیان برشمرده و آزادی مطلق آن را صحیح نمی‌داند. امروزه فضای مجازی و اینترنت، ابزاری جدید برای ابراز نظرات بوده و در این پژوهش دیدگاه دین مبین اسلام در مورد وضعیت آزادی حضور در اینترنت بررسی شده است.

سؤال پژوهش

دیدگاه دین مبین اسلام در مورد اظهارنظرها در فضای مجازی و میزان آزادی شهروندان در اینترنت به چه صورت است؟

نوآوری پژوهش

تحقیقات متنوعی در مورد آزادی بیان انجام شده است، اما هیچ یک از تحقیقات به استفاده ابزاری اینترنت در مورد آزادی بیان اشاره نکرده و دیدگاه فقهی دین مبین اسلام در این مورد نیز بررسی نشده است، از این جهت، پژوهش حاضر دارای نوآوری است.

آزادی بیان در فضای مجازی

یکی از آزادی‌های اجتماعی، «آزادی بیان» است. آزادی بیان از دیدگاه فقه، مبتنی بر امور متعددی همچون امر به معروف، نهی از منکر، نصیحت و خیرخواهی، مشورت، وجوب بیان حق و حرمت کتمان آن و مانند آن‌هاست. همچنین از دیدگاه اسلام، آزادی بیان مطلق نیست و محدود به حدود دینی متعددی همچون ارتداد، کفر و انکار ضروری دین، افترا به خداوند، تکذیب آیات الهی، استهزاء و تمسخر و مانند آن‌هاست. در قوانین داخلی، موازین و

احکام اسلامی، منافع و مصالح عمومی، به عنوان مبانی آزادی بیان مورد تأکید قرار گرفته و اهانت به مقدسات ممنوع شده است. در اسناد بین‌المللی، مبانی و حدود آزادی بیان، بیشتر مادی است. آزادی بیان ابزاری قابل استفاده با اهدافی متفاوت است. از این رو، از دیدگاه اسلام، اصل «آزادی بیان» پذیرفته شده، اما مبانی آن با دیگر ادیان و مکاتب متفاوت است، زیرا این آزادی در خدمت انسان و برای رسیدن به سعادت حقیقی و فلسفه خلقت است و به همین سبب، حدود آزادی بیان نیز از دیدگاه اسلام متفاوت بوده و این حدود را دین تعیین می‌کند. از این رو، مبانی و حدود دینی آزادی بیان برای رسیدن انسان به سعادت دنیا و آخرت است. در حقوق داخلی، که غالباً از دین مبین اسلام گرفته شده، مبانی و حدود فقهی تا حدی رعایت شده است. در این راستا، در این حقوق، موازین و احکام اسلامی و منافع و مصالح عمومی، به عنوان «مبانی آزادی بیان» مطرح شده و اهانت به مقدسات ممنوع گردیده است. برخلاف قوانین داخلی، در اسناد بین‌المللی، مبانی و حدود آزادی بیان (به جز در اعلامیه اسلامی حقوق بشر) بیشتر مادی است (مرتضایی و حسینی، ۱۳۹۲، ص ۴۹).

هرچند که تولد اینترنت به دوران جنگ ویتنام بازمی‌گردد، اما استفاده عمومی از آن تنها دو دهه است که رواج یافته و امروزه به ابزاری جدانشدنی از زندگی هر فرد مبدل شده است. امروزه حتی در دورافتاده‌ترین نقاط جهان، استفاده از اینترنت مرسوم بوده و معمولاً اشخاصی که به دلایل شخصی تمایلی به استفاده از آن ندارند، از این نعمت محروم هستند. اینترنت شبکه ارتباطی جهانی بین تمامی شخصیت‌ها برقرار کرده و امروزه قابلیت انتشار یک خبر با سرعتی بسیار بالا انجام می‌شود که پیش‌تر این امکان وجود نداشت. دسترسی همه جهانیان به شبکه اطلاعات اینترنت، امکان مبادله اطلاعات را فراهم کرده و در صورت عدم نظارت بر آن، به بزرگ‌ترین منبع پخش خبر مبدل می‌گردد. طبیعتاً آزادی بیان با وجود این ابزار، شکلی جدیدتر به خود گرفت و دولت‌ها همواره سعی بر نظارت بر این ابزار داشته‌اند. در واقع اینترنت ابزاری قدرتمند در بیان نظرات بوده و از این جهت آزادی بیان با ابزاری جدید معرفی شد (صدری، ۱۳۸۸، ص ۴۳).

آیات و روایات مرتبط با آزادی فضای مجازی

اسلام اصل «آزادی بیان» را همچون بیشتر آزادی‌ها پذیرفته، اما برای آن حدودی متناسب با مبانی این آزادی در نظر گرفته است. این محدودیت‌ها به دلایل گوناگونی ایجاد شده است، همچون عدم اهانت به عقاید و مقدسات، جلوگیری از افکار و عقاید ناصواب و مضر، تعیین مکان و محیط مناسب برای بیان و نقد صحیح اندیشه و عقیده، رشد صحیح اندیشه و توسعه سالم علوم، تکامل روحی و سعادت انسان در پرتو فکر و اندیشه صحیح، ایجاد نظم و امنیت و حفظ حکومت و نظام سیاسی در جامعه و مانند آن. بنابراین، لازم است مرز آزادی بیان مشخص شود تا به بهانه «آزادی بیان»، به مقدسات اسلامی اهانت نشود، زیرا بسیاری از مباحثی که بیان می‌شود، فکر و عقیده نیست، بلکه اهانت است. به تعبیر یکی از نویسندگان، «از آزادی ابراز عقیده، زمانی باید سخن گفت که اصولاً عقیده‌ای وجود داشته باشد و بتوان درباره آن بحث کرد؛ اما اهانت کردن، عقیده نیست، بلکه یکی از انواع جرم است» (بهپور، ۱۳۷۱، ص ۳۵).

برخی از مهم‌ترین حدود و ممنوعیت‌های آزادی بیان عبارت است از: ارتداد، کفر و انکار ضروری دین، افتراء به خداوند، تکذیب آیات الهی، استهزاء و تمسخر، دشمنی با خدا و رسول خدا (ص)، تهمت به پیامبر (ص) خلاف سب

و شتم و نصب، دین‌سازی در برابر دین اسلام، تبعیض در دین، تحریف دین، طعن در دین، بدعت در دین، استخفاف در دین، فتنه و انحراف در دین، گفتار گمراه کننده و فریبنده، گفتار و جدال بیهوده و باطل، اهانت به مقدسات دیگران و مانند آن (مرتضایی و حسینی، ۱۳۹۲، ص ۵۳).

ارتداد

ارتداد یکی از مهم‌ترین حدود شرعی است که مستندات فراوانی در مورد آن ذکر شده است. در قرآن کریم آمده است که «ای پیغمبر! از تو راجع به جنگ در ماه حرام سؤال کنند، بگو گناهی است بزرگ، ولی بازداشتن خلق از راه خدا و کفر به خدا و پایمال کردن حرمت حرم خدا و بیرون کردن اهل حرم از آن (که مشرکان مرتکب شدند)، نزد خدا بسیار گناه بزرگ‌تری است و فتنه‌گری، فسادانگیزتر از قتل است. کافران پیوسته با شما مسلمین کارزار کنند تا آنکه اگر بتوانند شما را از دین خود برگردانند، و هر کس از شما از دین خود برگردد و به حال کفر باشد تا بمیرد، چنین اشخاصی اعمالشان در دنیا و آخرت ضایع و باطل گردیده، و آنان اهل جهنم‌اند و در آن همیشه (معدّب) خواهند بود»^۱ (بقره، ۲۱۷).

در تفسیر این آیه مهم آمده که ارتداد یکی از گناهان کبیره است که برای مجازات مرتد، مرگ پیش‌بینی شده است. حدّ ارتداد در کتب شرعی از بین رفتن مرتد است تا این فساد گسترش نیابد. تبلیغ در مورد خروج از دین اسلام ممکن است در فضای مجازی انجام شود. با توجه به ممنوعیت این مسئله بر اساس قوانین شرعی، نمی‌توان برای این فعالیت در اینترنت، مجوزی صادر کرد. استناد ممنوعیت آن، کتب فقهی بوده و به همین جهت، برای آزادی بیان مطلق می‌بایست این محدودیت را قرار داد.

کفر و انکار ضروری دین

در قرآن کریم آمده است که «ای کسانی که (به زبان) ایمان آورده‌اید، (به حقیقت و از دل هم) ایمان آورید، به خدا و رسول او و کتابی که به رسول خود فرستاده و کتابی که پیش از او فرستاده (تورات و انجیل)؛ و هر که به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها (ی آسمانی) و رسولان او و روز قیامت کافر شود، به گمراهی سخت و دور (از سعادت) درافتاده است»^۲ (نساء، ۱۳۹). طبیعتاً سال‌ها زحمت پیامبران و اولیای دین، هدایت انسان‌ها به سمت خداوند متعال بوده و هم‌اینک حقانیت دین اسلام بر همگان به اثبات رسیده است. این امکان در فضای مجازی وجود داشته که با تبلیغ علیه اسلام، به این دین مقدس بی‌حرمتی کرده و رسالت اولیای دین را مورد تردید قرار داد. آزادی در این اقدامات، زمینه برای گسترش انکار و کفر نسبت به دین اسلام فراهم داشته و به موجب آیه‌ای که پیش‌تر بیان شد، می‌بایست با این‌گونه اقدامات در فضای مجازی مقابله نمود. لذا، این مورد نیز محدودیت در آزادی بیان، به هر وسیله (از جمله اینترنت) محسوب می‌شود.

^۱ «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»

^۲ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»

افتراء به خداوند

از زمانی که وجود خدا و ویژگی‌های وی بر جهانیان ثابت شده، قرن‌ها می‌گذرد. استندهای وجود خداوند آن‌چنان بدیهی است که دیگر نیازی به بیان آن نیست. در این وضعیت، افتراء به خداوند گناهی بزرگ و کفر محسوب شده که می‌بایست با خطای برخورد شدید نمود. در قرآن کریم آمده است که «پس کیست ستمکارتر از آن‌که به خدا نسبت دروغ دهد یا آیات او را تکذیب کند؟ و البته بدکاران هرگز به فلاح و رستگاری نخواهند رسید»^۱ (یونس، ۱۷). گسترش بیانات افتراء به خداوند، زمینه انحراف افکار سطح پایین را فراهم کرده و اقشار اجتماعی که درکی صحیح از علوم دینی ندارند، به سمت کفر و شرک منحرف می‌گردند. لذا، در وضعیت کنونی می‌بایست با این اقدامات به هر وسیله ممکن مقابله کرد که تبلیغات در فضای مجازی یکی از همین راه‌هاست. در حال حاضر چنین سایت‌هایی توسط مسئولین مربوطه فیلتر شده و کاملاً در راستای محدودیت‌های اعمالی بر فضای مجازی می‌باشد.

تکذیب آیات الهی

در ادامه بحث پیشین، هرگونه بحث در مورد تکذیب آیات الهی، با وجود بی‌پایه بودن آن، می‌تواند افکار مسموم را به سمت تشکیل فرقه‌های انحرافی هدایت کند. در قرآن کریم آمده است که «و آنان که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آن‌ها اهل آتش دوزخ و در آن جاودان مخلدند و آنجا بسیار بد منزلگاهی است»^۲ (تغابن، ۱۰). بر این اساس، اقداماتی که در راستای تکذیب آیات الهی در فضای مجازی انجام شود، مستوجب مجازات است. اصل تکذیب آیات الهی، خلاف مقررات شرعی بوده که برای آن حد تعیین شده است. اگر این عمل با ابزار اینترنت انجام شود، نیازمند مقابله بوده و لذا محدودیتی دیگر در فضای مجازی محسوب می‌شود.

استهزاء و تمسخر

به موجب قوانین شرعی، هیچ کس حق تمسخر شخصی دیگری را ندارد. شخصیت همه انسان‌ها محترم بوده که تمسخر آن خلاف مقررات شرعی می‌باشد. در قرآن کریم آمده است که: «بگو که اگر دریا برای (نوشتن) کلمات پروردگار من مرکب شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم به آخر رسد، دریا خشک خواهد شد، هرچند دریایی دیگر باز ضمیمه آن کنیم (یعنی عوالم وجود که کلمات تکوینی الهی است، بی‌حد و نامتناهی است)»^۳ (کهف، ۱۰۹). همچنین در جایی دیگر از قرآن کریم آمده است که «(ای پیغمبر) پیش از تو هم امم گذشته پیغمبران خود را سخت استهزاء کردند، پس، آنان را کیفر این عمل دامن گیر شد»^۴ (انعام، ۱۰). بر این اساس، برای استهزاء دیگران مجازات تعیین شده که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی به آن نپرداخته است. اما به موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی، مراجع قضائی می‌بایست بر اساس منابع فقهی که برای این عمل شنیع مجازات تعیین شده، در پرونده‌های مشابه، مسخره‌کننده را مجازات نمایند. این اقدام ناپسند ممکن است در فضای مجازی نیز انجام شود که بر اساس مطالب مذکور می‌بایست از محدودیت‌های آزادی بیان قرار گیرد.

^۱ «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ»

^۲ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبئْسَ الْمَصِيرُ»

^۳ «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا»

^۴ «وَلَقَدْ اسْتَهْزَأُ بِرَسُولٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ»

دشمنی و مخالفت با خدا و رسول

یکی دیگر از ممنوعیت‌های آزادی بیان، دشمنی و مخالفت با خدا و رسول خداست که موجب ذلت و خلود در جهنم می‌شود. به موجب آیه ۶۳ سوره توبه، «آیا ندانسته‌اند که هر کس با خدا و رسولش به عداوت برخیزد، آتش دوزخ کيفر دائمی اوست؟ و این به حقیقت ذلت و خواری بزرگ است.»^۱ آزادی کامل در چنین مسئله‌ای، اصلاً جایز نبوده و با توجه به امکان انجام آن در فضای مجازی، می‌بایست جزء محدودیت‌های آن قرار گیرد.

تهمت به پیامبر (ص)

تهمت نیز ممنوع و از حدود آزادی بیان است. تهمت به پیامبر اکرم (ص) و با تعبیر گوناگونی همچون شاعر (انبیاء، ۵)، جادوگر (ص، ۴)، دیوانه (حجر، ۶)، شاعر دیوانه (صافات، ۳۶)، ساحر دیوانه (ذاریات، ۵۲)، تهمت‌زننده (یونس، ۳۸)، کاهن (الحاقه، ۴۲-۴۰)، دروغ‌گو (فرقان، ۴)، نادان (اعراف، ۶۷) و مانند آن انجام می‌شود. سایت‌های این‌چنینی توسط مسئولین مربوطه فیلتر شده و اقدامی کاملاً صحیح در جهت تحدید آزادی بیان (در فضای مجازی) می‌باشد.

سب، شتم و نصب

«سب، شتم و نصب» از حدود و ممنوعیت‌های آزادی بیان هستند که به دلیل مترادف بودن، در یک قسمت ذکر شدند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «کسی که به علی (ع) دشنام دهد، به من دشنام داده است، و کسی که به من دشنام دهد، به خداوند دشنام داده است» (صدوق، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۷). «کسی که دشمنی با علی (ع) ما را ابراز و اظهار کند، با خدا جنگ کرده است» (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۳۷، ص ۴۵). «کسی که با علی (ع) ما خلیفه پس از من دشمنی را اظهار کند، کافر است و با خدا و رسولش محاربه کرده است» (طوسی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۴۳).

مقابله با دین اسلام یا ایجاد اختلال در آن

از آنجا که اسلام تکمیل‌کننده ادیان دیگر آسمانی بوده و کتاب قرآن به عنوان کلام خدا و غیرقابل تحریف معرفی شده و بر همگان اثبات گردیده است، مقابله با آن در حکم محاربه است. مقابله با دین اسلام به هر طریقی، مستوجب مجازات بوده و ابزار اینترنت از این قاعده مستثنی نیست. در ادامه به بررسی برخی مصادیق آن پرداخته شده که چنین اعمالی در فضای مجازی کاملاً ممنوع بوده و مسئولین می‌بایست با آن مقابله نمایند.

دین‌سازی در برابر دین اسلام

بیان و تبلیغ هر مکتب و مسلک دیگری در برابر دین اسلام ممنوع و از حدود آزادی بیان است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «آیا کافران، دینی غیر دین خدا را می‌طلبند؟ و حال آنکه هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه‌ناخواه مطیع امر خداست و همه به سوی او رجوع خواهند کرد»^۲ (آل عمران، ۸۳). «برای شما مؤمنان گوشت مردار، خون و گوشت خوک و آن ذبیح‌هایی که به نام غیرخدا کشتند و همچنین هر حیوانی که به خفه کردن یا به چوب زدن یا از بلندی افکندن یا به شاخ زدن به هم بمیرند و نیم‌خورده درندگان جز آن را که قبلاً تذکیر کرده باشید، حرام است و نیز آن را که برای بتان می‌کشند و آن را که به تیرها قسمت می‌کنید، که این کار فسق است-امروز کافران از این‌که به دین شما دستبرد زنند و اختلالی رسانند، طمع بریدند، پس، شما از آن‌ها بیمناک نگشته و از من بترسید. امروز (به عقیده

^۱ «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ»

^۲ «أَفَتَعْبِرُ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَكَهْ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»

امامیه و برخی اهل سنت روز غدیر خم و خلافت علی (ع) است) دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم. پس هرگاه کسی در ایام قحطی و سختی از روی اضطرار نه به قصد گناه از آنچه حرام شده مرتکب شود، خدا بخشنده و مهربان است» (مائده، ۳).

تبعیض در دین

تبعیض در دین و آیات و پیامبران الهی و ایمان به بعضی و کافر شدن به بعضی دیگر و نیز هرگونه التقاط در دین حرام است و موجب رسوایی در دنیا و گرفتاری در عذاب آخرت می‌شود. «آنان که به خدا و رسولان او کافر شوند و خواهند که میان خدا و پیغمبرانش جدایی اندازند و گویند: ما به برخی (از انبیاء) ایمان آورده و به پاره‌ای ایمان نیاوریم و می‌خواهند که میان کفر و ایمان راهی اختیار کنند؛ به حقیقت کافر اینها نیستند و ما برای کافران عذابی خوارکننده مهیاء ساخته‌ایم»^۲ (نساء، ۱۵۰-۱۵۱).

تحریف دین

تحریف و تغییر دادن، از مصادیق ممنوع آزادی بیان در دین است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «آیا طمع دارید که یهودان به (دین) شما بگردند؛ در صورتی که گروهی از آنان کلام خدا را شنیده و به دلخواه خود تحریف می‌کنند، با آنکه در کلام خود تعقل کرده و معنی آن را دریافته‌اند»^۳ (بقره، ۷۵).

طعن در دین

طعن و بدگویی کردن درباره دین، از حدود آزادی بیان محسوب می‌شود. «و اگر آن‌ها سوگند خود را بعد از عهده‌ای که بسته‌اند بشکنند و در دین شما تمسخر و طعن زنند، در این صورت با آن پیشوایان کفر و ضلالت کارزار کنید که آن‌ها را عهد و سوگند استواری نیست، باشد که بس کنند»^۴ (توبه، ۱۲).

بدعت در دین

مطرح نمودن آنچه جزء دین نیست و نسبت دادن آن به دین، که با عناوینی همچون «بدعت و خرافه» بیان می‌شود، ممنوع است. رسول خدا (ص) فرمودند: «هر بدعتی گمراهی و هر گمراهی در آتش است». امام باقر (ع) و امام صادق (ع) فرمودند: «هر بدعتی گمراهی و هر گمراهی راهش به سوی آتش جهنم است» (نقیب، ۱۹۸۴م، ج ۱، ص ۴۳).

۱ «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُ وَالْحَمُّ الْخَنِزِيرُ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النَّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَبْسُ الدِّينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

۲ «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيَقُولُونَ نُوْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا»

۳ «أَفْتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»

۴ «وَأِنْ نَكُنُوا آيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُنْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَأَ أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ»

استخفاف دین

استخفاف و سبک شمردن دین ممنوع و از حدود آزادی بیان است. امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: «از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمودند: من بر شما از استخفاف و سبک شمردن دین می‌ترسم» (محمصانی، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۵۴). امام صادق (ع) فرمودند: «زنزاده نشانه‌هایی دارد؛ نشانه نخست او بغض و کینه نسبت به ما اهل بیت (ع) است. نشانه دوم او این است که خواستار حرامی می‌شود که از او خلق شده است. نشانه سوم او سبک شمردن دین است» (سنه‌وری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۴).

فتنه و انحراف در دین

«فتنه» در لغت، معانی متفاوتی دارد: «آزمایش، فریبندگی، اغوا و وسوسه، دسیسه، شورش و آشوب، بی‌دینی، سخن‌چینی». فتنه‌ای که موجب انحراف در دین و فکر انسان می‌شود، از حدود آزادی بیان بوده و ممنوع است. «و (تو ای پیغمبر) به آنچه خدا فرستاده، میان آنان حکم کن و پیرو خواهش‌های ایشان مباش، و ببندیش که مبادا تو را فریب دهند و در بعضی احکام که خدا به تو فرستاده، تقاضای تغییر کنند. پس، اگر از حکم خدا روی گردانیدند (باک مدار)، بدان که خدا می‌خواهد آن‌ها را به عقوبت بعض گناهانشان گرفتار سازد، و همانا بسیاری از مردم فاسق و بدکارند»^۱ (مائده، ۴۹).

گفتار گمراه کننده و فریبنده

گمراه و منحرف کردن نیز نامشروع و از حدود آزادی بیان است. ممنوعیت کتب و نشریات ضالّه نیز به همین دلیل است. «و برخی از مردمان (فاسد فتنه‌انگیز مانند نضر حارث) کسی است که گفتار و سخنان لغو و باطل را (مانند قصه‌های دروغ و افسانه‌های شهوت‌انگیز مفسد اخلاق و سرود مطرب) به هر وسیله تهیه می‌کند تا (خلق را) به جهالت از راه خدا (و آموختن علوم و معارف قرآن) گمراه سازد و آیات قرآن را به تمسخر و استهزاء گیرد، این مردمان (فاسد کافر) به عذاب، با خواری و ذلت گرفتار شوند»^۲ (لقمان، ۶). هر نوع گفتار و بیان فریبنده و گمراه کننده از حدود آزادی بیان و ممنوع است. «و همچنین ما هر پیغمبری را از شیطان‌های انیس و جن دشمنی در مقابل برانگیختیم که آن‌ها برخی با برخی دیگر برای اغفال مؤمنان سخنان آراسته ظاهر فریب اظهار کنند. و اگر پروردگار تو می‌خواست، چنین نمی‌کردند، پس، این‌ها را با دروغشان واگذار»^۳ (انعام، ۱۱۲).

گفتار و جدال بیهوده و باطل

یکی دیگر از حدود آزادی بیان، گفتار بیهوده و باطل است. «این است (احکام حج) و هر کس اموری را که خدا حرمت نهاده، بزرگ و محترم شمارد، البته این برایش نزد خدا بهتر خواهد بود. و چهارپایان غیر آنچه تلاوت خواهد شد [در سوره مائده آیه ۳ آمده است. (م)] همه برای شما حلال گردید، پس، از پلید حقیقی یعنی بت‌ها اجتناب کنید و نیز از قول باطل (مانند دروغ و شهادت ناحق و سخنان لهو و غنا) دوری گزینید»^۴ (حج، ۳۰). «و ما رسولان را جز

^۱ «وَأَن احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ»

^۲ «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»

^۳ «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غَرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ»

^۴ «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»

برای بشارت (نیکان) و ترسانیدن (بدان) نمی‌فرستیم و کافران با سخنان بیهوده باطل می‌خواهند جدل کرده و حق را پایمال کنند، و آیات مرا و آنچه برای تنبیه و اندازشان آمد، به استهزاء گرفتند»^۱ (کهف، ۵۶).

اهانت به مقدسات دیگران

هر دین و آیینی مقدماتی دارد که پیروانش به آن‌ها احترام می‌گذارند. از دیدگاه اسلام، اهانت به مقدسات دیگران حرام است. خداوند متعال از دشنام دادن به کسانی که خداوند یکتا را عبادت نمی‌کنند، نهی فرموده است، زیرا آنان نیز در مقابل، خداوند یگانه را سب می‌کنند (مرتضایی و حسینی، ۱۳۹۲، ص ۷۰). «و (شما مؤمنان) به آنچه مشرکان غیر از خدا می‌خوانند، دشنام ندهید، تا مبدا آن‌ها از روی ظلم و جهالت خدا را دشنام دهند. این‌چنین ما عمل هر قومی را در نظرشان زینت داده‌ایم، سپس بازگشت آن‌ها به سوی پروردگارشان است و خدا آنان را به کردارشان آگاه می‌گرداند»^۲ (انعام، ۱۰۸). امام صادق (ع) در نامه‌ای خطاب به اصحابشان فرمودند: «پرهیزید از اینکه به دشمنان خدا دشنام دهید، در جایی که (زمانی که) سخنان شما را می‌شنوند، مبدا آن‌ها را از روی دشمنی و نادانی، به خدا دشنام دهند. برای شما شایسته است که بدانید حد سب و دشنام دادن آن‌ها به خدا چگونه است، زیرا هر که به اولیای خدا دشنام دهد، به خدا دشنام داده است. و چه کسی نزد خدا ستمگرتر است از کسی که موجب دشنام به خدا و اولیای خدا شود؟» (مرتضایی و حسینی، ۱۳۹۲، ص ۷۷).

قواعد فقهی مرتبط با محدودیت فضای مجازی

در این قسمت، مبنای فقهی محدودیت فضای مجازی بررسی شده است.

بنا عقلاء

اصل امضایی بودن قراردادها و معاملات، محل تردید نیست و روشن است که شارع در این باره تأسیسی نداشته است (صدری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۹۲). در زمان شارع قراردادهایی جریان داشته و شارع احتمالاً آن‌ها را امضاء کرده و احتمالاً روش اجرا را برای آن‌ها بیان کرده است و این مجموعه‌های فقهی پس از ایشان گرد آمده و شکل عقود و ایقاعات معین به خود گرفته است، اما به این معنا نیست که دلالت عقود و ایقاعات حصری است، بلکه زندگی مدنی روزمره با این قراردادها اداره می‌شده و اقتضای تمدن و زندگی مدنی امروزه قراردادهای جدید است. پاسخ دیگر به ماهیت ممضی با عقل و اطلاعات نقل منطبق بوده و بلکه فراتر از اطلاق، با مفهوم شرط ابتدایی و کاربردهای متنوع آن در متون شرعی، به‌ویژه روایات تطبیق می‌کند، که شارع جریان عرفی روابط مردم را امضاء کرده و در این امضاء، فقط اصول و رهنمودهای کلی شریعت را در نظر داشته است؛ مثلاً در عقود و قراردادهای معاوضی عبور از خطوط قرمز ربا، ضرر، غرر، و جهل ملاک شارع بوده است (بجنوردی، ۱۹۴۱ق، ج ۱، ص ۴۳).

آزادی مطلق بیان، با توجه به تعارضات با دیگر حقوق اشخاص و جامعه، به هیچ وجه مورد تأیید عقلاء نبوده و لذا، به آن ایراد وارد است. به طور کلی هدف از قانون‌گذاری، محدودیت بر اعمال انسان‌ها بوده تا حقوق عامه حفظ گردد. اکنون با ورود اینترنت به زندگی روزمره، نمی‌توان آن را بی‌قاعده به حال خود رها کرد و مانند آن است که کل جامعه

^۱ «وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا»

^۲ «وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زِينَةٌ لِكُلِّ أُمَّةٍ عَلَيْهِمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

بدون قانون به حال خود رها گردند. بنابراین، ضمن احترام کامل به آزادی بیان، می‌بایست برای آن محدودیت‌هایی تعیین نمود که مصلحت کل جامعه حفظ گردد. آزادی بیان به معنای ابراز عقاید در چارچوب قوانین مصوب مربوطه است.

اصل اباحه

اصل اباحه جواز عقلی تصرف در اشیاء قبل از ورود حکم شرع است. اصل اباحه، مقابل اصالت حظر بوده و به معنای حکم اولی عقل به جواز تصرف در اشیاء با قطع نظر از وجود شرع و حکم شارع نسبت به آن‌ها می‌باشد. در این‌که عقل، صرف نظر از احکام شرع، نسبت به افعال عادی انسان، که انتفاع از آن‌ها صحیح بوده و ضرری برای کسی ندارد، در مقابل افعال ضروری او مثل تنفس چه حکمی دارد، میان علمای اصول اختلاف است. عده‌ای معتقدند در این‌گونه مسائل، عقل به اباحه و جواز تصرف، حکم می‌دهد و جمع دیگری اعتقاد دارند که حکم عقل در آن‌ها حظر و منع از تصرف است. گروهی نیز مانند حاجبی معتقدند که عقل در این موارد هیچ‌گونه حکمی ندارد و بعضی مانند اشعری گفته‌اند عقل به توقف حکم می‌دهد. شیخ طوسی در کتاب *تهذیب الاحکام*، نظر اخیر را پذیرفته است (طوسی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۶۷۴).

بر این اساس، تغییر شیوه یک سازوکار، اگر ماهیت و آثار آن را تغییر ندهد، همان قواعد فقهی نیز بر آن حاکم خواهد بود. در مورد آزادی بیان، حقوقدانان نظریات مختلفی بیان کرده‌اند. فضای مجازی ابزاری جدید برای ابراز عقاید است و محدودیت مکانی برای آن مشهود نیست. لذا، همان قواعدی که در مورد آزادی بیان عنوان شده و محدودیت‌هایی که در این باره لحاظ گردیده، در فضای مجازی نیز می‌بایست رعایت گردد.

قاعده لزوم

لزوم مستند به آیه «اوفا بالعقود» است. لزوم در اینجا به معنی قطعیت و حتمیت می‌باشد، زیرا عقد لازم، عقدی است که قطعی و نافذ بوده و فی الحال مفید ملک می‌باشد و طرفین حق انحلال آن را نخواهند داشت. در مقابل عقود لازم، عقود جایز قرار دارند که طرفین یا یک طرف حق انحلال عقد را داراست. این عقود را عقود خیار و یا معلق نیز می‌گویند. قاعده لزوم مقرر می‌دارد که هر قراردادی که بین لزوم و جواز، مشکوک و مردد باشد، ملحق به عقود لازم است. از این اصل به «وفاء به عهد» نیز تعبیر می‌گردد. اصل لزوم هم نسبت به اصل مفاد قرارداد جاری است و هم نسبت به لوازم و آثار آن؛ لذا، پس از تمامیت و انعقاد قرارداد، اصل و لوازم عقد لازم الاجرا خواهد شد. اجرای قاعده لزوم در بیع، نخستین بار به وسیله علامه حلی در تذکره و قواعد اعلام شده است (جبعی عاملی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۷). برخی محدودیت‌ها برای کل جامعه لازم بوده و می‌بایست در این باره سخت‌گیری نمود. حجاب زنان، لازمه یک زندگی سالم و استحکام نظام خانواده است. اگر این حرکت به هر وسیله ممکن ولو فضای مجازی شکسته شود، می‌بایست با آن مقابله کرد. حفظ امنیت جامعه نیز یک نیاز اساسی بوده که به فرموده قرآن کریم، در نبود آن، انسان‌ها قدر این نعمت بزرگ را می‌دانند. اگر امنیت ملی به وسیله فضای مجازی مورد تهدید قرار گیرد، می‌بایست با آن مقابله نمود و لذا بر اساس اصول فقهی و حقوقی، محدودیت‌هایی در فضای مجازی تعیین شده که با اصول آزادی بیان تناقضی ندارد؛ چراکه آزادی به این معنا نیست که هر کس هر کاری که بخواهد انجام دهد.

قاعده لاضرر

این قاعده اولاً، مستند به دلیل عقل است، زیرا عقل ضرر رساندن را قبیح دانسته و آن را محکوم می‌کند و طبق قاعده ملازمه^۱ این قاعده مسلم می‌گردد (فخر المحققین، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴۸). ثانیاً، در قرآن می‌خوانیم، نباید مادر به واسطه قطع شیر، به کودک خویش ضرر برساند.^۲ وقتی زنان خود را طلاق دادید، اگر واقعاً نمی‌خواهید با آنان زندگی کنید، صرفاً به منظور آزار دادن به آنان رجوع نکنید^۳ (همان). قاعده لاضرر ادله مذکور استخراج و از مبانی مورد اتفاق اهل تسنن و امامیه است و در کتب روایی به نحو تواتر اجمالی دیده شده، و فقها آن را به عنوان «کبری قضایای فقهی» مطرح ساخته‌اند. احکامی همچون حکم حرمت ضرر رساندن، حرمت مقابله ضرر با ضرر دیگر، وجوب تدارک و جبران ضرر ناروا و... از این قاعده به دست آمده‌اند. این قاعده از متن روایات بسیاری که در این زمینه وجود دارد، گرفته شده است، تا جایی که شماری از فقیهان ادعای تواتر کرده‌اند.

همچنین در شریعت اسلام هر حکم وضعی یا تکلیفی که موجب ضرر بر فرد یا نوع انسانی باشد، مطرود است. این قاعده مقرر می‌دارد که قراردادها نباید موجب ورود زیان بر طرفین گردند و بر همین اساس و به جهت جلوگیری از ضرر یا جبران آن، حق فسخ (خيارات) در معاملات در نظر گرفته شده است. هر عقد لازمی را می‌توان مشمول «خيارات» دانست، به جز سه خيار، مجلس، حیوان و تأخیر ثمن که مختص عقد بیع است، تمامی خيارات (شرط، رؤیت و تخلف وصف، غبن، تدلیس، تبعض صفقه، تخلف شرط)، در کلیه عقود جاری هستند (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۲).

اقدامات بدون محدودیت در فضای مجازی، طبیعتاً به ضرر جامعه می‌باشد. این ضررها هم در حوزه خصوصی افراد و هم در حیطه عمومی مورد بحث است. به حکم قاعده لاضرر، حکومت وظیفه دارد که با این‌گونه اقدامات زیان‌بار مقابله نماید. مثلاً اگر شخصی در فضای مجازی آموزش ساخت بمب دستی را بیان می‌دارد، این آموزش امنیت کل جامعه را به خطر انداخته و ضرر آن برای کل جامعه مشهود است. لذا، می‌بایست با این‌گونه فعالیت‌ها در اینترنت مقابله شود.

قواعد تسبیب و اتلاف

قاعده تسبیب از جمله قواعد فقهی مؤثر در باب ضمان است. بر اساس این قاعده، اگر شخصی واسطه سبب ورود خسارت به دیگری شود، در صورت انتساب خسارت به او، ضامن خواهد بود. مستندات این قاعده، روایات و اجماع است که روایات مربوطه بیشترین نقش را در اثبات قاعده دارند. قاعده تسبیب رابطه تنگاتنگی با قاعده اتلاف دارد. بر اساس قاعده اتلاف، اگر شخص به طور مستقیم و مباشرتاً موجب ورود خسارت به دیگری شود، ضامن جبران خسارت است. همچنین در صورت اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است، مگر در صورتی که سبب اقوی از مباشر باشد که در این صورت بر اساس قاعده تسبیب، سبب مسئول جبران خسارت خواهد بود. در اینکه آیا اتلاف و تسبیب دو قاعده‌اند یا دو قسم از یک قاعده، نظریات مختلفی ارائه شده است که در هر صورت چه ما این دو را یک قاعده یا دو قاعده مستقل در نظر بگیریم، تمایزاتی بین آن دو وجود دارد. از جمله اینکه در ضمان اتلاف، تقصیر، شرط

^۱ «کلمه حکم به العقل حکم به الشرع»^۲ «لا تضار والده بولدها ولا مولود له بولده»^۳ «ولا تمسک وهن ضراراً لتعدوا»

نیست، ولی انتساب شرط است، اما در تسبیب، علاوه بر انساب، تقصیر نیز شرط است. لذا، در دعاوی مطرح شده تحت عنوان تسبیب، زیان دیده باید علاوه بر اثبات زیان، وجود تقصیر را نیز اثبات نماید. همچنین در اتلاف، همیشه فعل مثبت موجب ورود خسارت است و هیچ‌گاه ترک فعل از مصادیق اتلاف نمی‌تواند باشد، در حالی که در تسبیب علاوه بر اینکه در اثر فعل مثبت، زیان متوجه غیر می‌گردد، با ترک فعل هم زیان متصور می‌باشد.

بر اساس قاعده تسبیب، اگر کسی به طور غیرمستقیم و مع‌الواسطه موجب تلف مال دیگری گردد، ضامن است و مسئول جبران خسارت می‌باشد، اعم از اینکه موجب شدن عمدی باشد یا غیرعمدی و اعم از اینکه در اثر انجام فعلی باشد، مانند اینکه کسی دیگری را وادار به دزدی کند، و یا در اثر ترک وظیفه‌ای، مثل اینکه متصدی نگهداری از حیوان، از مهار کردن حیوان خودداری ورزد و حیوان مزرعه را تباہ کند (طباطبائی لطفی و روشنی، ۱۳۹۵، ص ۷۳).

بحث تسبیب و اتلاف از آن جهت حائز اهمیت است که معمولاً زیان‌های مرئی برای همگان مشهود است. به موجب این قواعد، هر عملی که سبب فعل غیرمشروع گردد، حرام شمرده می‌شود. اقدامات انجام شده در فضای مجازی می‌تواند سببی بر فعل حرام شمرده شود که بنا به قاعده تسبیب می‌بایست با چنین اقداماتی مقابله نمود. بنا به قاعده اتلاف نیز اقدامات فعل حرام به وسیله فضای مجازی می‌تواند موجب اتلاف در جامعه گردد. مثلاً سایت‌هایی که در جهت بی‌بندوباری فعالیت دارند، مستقیماً خانواده را هدف قرار داده و به موجب قاعده اتلاف می‌بایست با فعالیت آن‌ها مقابله نمود.

ماهیت حقوقی آزادی فضای مجازی

منبعث از مطالب فقهی، قانون‌گذار محدودیت‌هایی را در آزادی بیان و فضای مجازی تعیین کرده که در ادامه به بررسی اهم منابع حقوقی مرتبط پرداخته شده است.

قانون اساسی

«موازین اسلامی» و «مصلح کشور» دو مبنای مهم آزادی بیان هستند که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده‌اند. صداوسیما، که رسانه ملی و مهم‌ترین ابزار آزادی بیان محسوب می‌شود، موظف به رعایت این مبانی است و در برنامه‌های صوتی و تصویری خود، نباید چیزی پخش کند که مخالف و مضر این مبانی باشد. بر اساس اصل یک‌صد و هفتاد و پنجم قانون اساسی، «در صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصلح کشور باید تأمین گردد».

در اصل یک‌صد و هفتاد و پنجم پیش از بازنگری، بر انطباق آزادی انتشارات و تبلیغات با موازین اسلامی تصریح شده است: «در رسانه‌های گروهی (رادیو و تلویزیون) آزادی انتشارات و تبلیغات طبق موازین اسلامی باید تأمین شود. این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه قضائیه (شورای عالی قضایی)، مقننه و مجریه اداره خواهد شد. ترتیب آن را قانون معین می‌کند».

موازین اسلامی از این نظر که تمام قوانین و مقررات باید بر آن‌ها مبتنی باشد (اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و در آزادی بیان نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت، مبنا محسوب می‌شوند، و از این نظر که در بیان، باید موازین اسلامی و حدود آن‌ها محترم شمرده شود، از حدود «آزادی بیان» بشمار می‌آیند.

بنابر قانون اساسی، حدود آزادی بیان «اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی» است و نشریات و مطبوعات، که از مهم‌ترین ابزارهای آزادی بیان هستند، ملزم به رعایت این حدود می‌باشند. بر اساس اصل بیست و چهارم قانون اساسی، «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند». بر اساس مطالب مذکور، حفظ حقوق عامه جامعه و رعایت حقوق خصوصی شهروندان، محدودیت اصلی آزادی بیان بوده که در فضای مجازی نیز می‌بایست رعایت گردد.

قانون مطبوعات

مبانی آزادی بیان در فصل سوم «قانون مطبوعات» (قانون مطبوعات، مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی) تحت عنوان «حقوق مطبوعات» بیان شده است.

به موجب ماده سوم، «مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادهای، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند».

به موجب ماده چهارم، «هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند».

به موجب ماده پنجم، «کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی، که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد، با رعایت این قانون، حق قانونی مطبوعات است».

حدود آزادی بیان در فصل چهارم «قانون مطبوعات» (قانون مطبوعات، مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۹۶ مجلس شورای اسلامی و اصلاحات مصوب ۲۱ مرداد ۱۳۷۷ و ۳۰ فروردین ۱۳۷۹) تحت عنوان «حدود مطبوعات» بیان شده است. بر اساس ماده ۶ این قانون:

«نشریات جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و حقوق خصوصی، که در این فصل مشخص می‌شوند، آزادند:

- ۱- نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.
- ۲- اشاعه فحشاء و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی.
- ۳- تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر.
- ۴- ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، به‌ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی.
- ۵- تحریض و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج.
- ۶- فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی.
- ۷- اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.
- ۸- افتراء به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگرچه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.

- ۹- سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام داخلی و خارجی، به نحوی که تبلیغ از آن‌ها باشد (حدود موارد فوق را آیین‌نامه مشخص می‌کند).
- ۱۰- استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی.
- ۱۱- پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران.
- ۱۲- انتشار مطلب علیه اصول قانون اساسی.

قانون جرائم رایانه‌ای

این قانون در سال ۱۳۸۸ مشتمل بر ۵۶ ماده و ۲۵ تبصره به تصویب رسید و یکی از مهم‌ترین منابع حقوقی در مورد جرائم رایانه‌ای می‌باشد. فصل آغازین این قانون در مورد محرمانگی داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای می‌باشد. در واقع هر آنچه پیش‌تر در مورد رعایت اصول محرمانگی اطلاعات طبقه‌بندی شده مطرح بود، به فضای مجازی نیز تعمیم داده شده و کسی حق ندارد به اطلاعات خاص که قانون دسترسی به آن را محدود کرده، دسترسی پیدا کند، چه این دسترسی فیزیکی باشد و چه توسط رایانه. همچنین هرگونه تغییر در این داده‌ها نیز غیرمجاز بوده و فصل دوم این قانون نیز به مسئله تغییرناپذیری اطلاعات اشاره دارد. فصل سوم به مسئله سرقت‌های رایانه‌ای اشاره دارد که در مورد کلاهبرداری‌های مرتبط با کارت‌های بانکی اشاره داشته و برای این منظور جرم‌انگاری شده است. اهمیت عفت عمومی یکی از ارکان مهم در حقوق بوده که قوانین مختلف به لزوم حفاظت از آن تأکید کرده‌اند. با توجه به اینکه عفت عمومی در فضای مجازی نیز ممکن است خدشه‌دار شود، فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به بحث در این مورد پرداخته است. فصل پنجم قانون مذکور نیز به هتک حرمت و نشر اکاذیب پرداخته که پیش‌تر در قوانین رسانه‌ای، مورد بحث بود. به صورت عمومی کسی حق نشر خبر کذب را نداشته و این مسئله در فضای مجازی نیز می‌بایست رعایت شود. به موجب همین قانون، هر آنچه رسانه‌ها می‌بایست بدان پایبند باشند، در فضای مجازی نیز لازم‌الاجراست و حق نشر اخباری که قانون ممنوع کرده را چه به صورت فیزیکی و چه به صورت مجازی ندارند. در فصل ششم، مسئولیت کیفری اشخاص تشریح شده که صورت عمومی آن پیش‌تر در قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ بیان گردیده بود. فصل‌های هفتم و هشتم نیز در مورد مجازات‌های این حوزه صحبت کرده و پس از آن آئین دادرسی این جرائم مرتبط، تشریح گردیده است.

نتیجه‌گیری

آزادی بیان یک حق بشریت است و هر شخص در بیان نظر خویش آزاد می‌باشد. اما این آزادی مطلق نبوده و دارای محدودیت‌هایی است. حقوق شخصی شهروندان تعیین‌کننده بخشی از این محدودیت‌هاست و هیچ کس حق ندارد به بهانه آزادی بیان، به حقوق اشخاص دیگر تجاوز نماید. این مورد شامل مصادیقی از تمسخر، افتراء و... بوده و فضای مجازی نباید محلی برای این قبیل اقدامات باشد. حقوق عامه که تشخیص مصلحت آن بر عهده حکومت اسلامی می‌باشد، بخشی دیگر از محدودیت‌ها را تعیین می‌کند. به طور کلی هر اقدامی که برخلاف مصالح جامعه بوده، جرم تلقی شده و قانون‌گذار برای آن مجازات تعیین نموده است. لذا، فعالیت‌ها در اینترنت نباید با حقوق جامعه تضاد داشته باشد و مصادیق آن شامل اقدام علیه امنیت ملی، تبلیغات و آموزش‌های خلاف عرف جامعه و... می‌باشد. جنبه

دیگری از محدودیت‌ها، حق‌الله بوده که منابع فقهی برای آن حدّ تعیین کرده‌اند. در وضعیت کنونی که اسلام عزیز حقانیت خود را بر همگان ثابت کرده است، کسی حق اهانت به این دین مبین آسمانی و پیامبر آن را ندارد. هرگونه اقدام در جهت مقابله با خداوند و پیامبران نیز در این حیطه تلقی گردیده و آزادی بیان در فضای مجازی می‌بایست با این محدودیت همراه باشد. قانون‌گذار به تبعیت از مطالب گفته شده، برخی محدودیت‌ها را در «آزادی بیان» عنوان کرده و از آنجا که امروزه اینترنت خود وسیله‌ای برای بیان نظرات می‌باشد، این مطالب در این حیطه نیز کاربرد دارد. اصل آزادی بیان در چارچوب تعیین شده منعی نداشته و موجب رشد و تعالی سطح اطلاعات عمومی کل جامعه می‌گردد. استفاده صحیح از اینترنت، از جهت علمی ارزشمند بوده و امروزه فعالیت‌های علمی در دانشگاه‌ها کاملاً به این وسیله مرتبط است. اما محدودیت تعیین شده برای اینترنت به طور کلی ممنوعیات فقهی و حقوقی بوده و فضای مجازی به طور کلی نباید وسیله‌ای برای انجام فعل حرام قرار گیرد و این چارچوب برای همه کاربران می‌بایست رعایت گردد.

منابع

قرآن کریم.

- بجنوردی، محمدحسین (۱۴۱۹ق). قواعد فقهیه. قم: نشر الهادی، ج ۱.
- بهپور، احمد (۱۳۷۱). آزادی ابراز عقیده یا اهانت به توده‌ها. ترجمه ابوحسین. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۱، چاپ دوم.
- جبعی عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی) (۱۳۷۲). الروضه البهیة فی شرح اللّمعه الدمشقیة. قم: مرکز نشر مکتب الاسلامی، ج ۲، چاپ هفتم.
- سنهوری، عبدالرزاق (۱۴۱۷ق). مصادر الحق فقه و الاسلامی. قم: آل البيت، ج ۱.
- صدری، سید محمد (۱۳۸۸). معاملات الکترونیکی. کاشان: گلاب آدینه، ج ۱.
- صدوق، محمد بن حسین (۱۳۹۰). من لا یحضره الفقیه. تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ج ۲.
- طباطبایی لطفی، عصمت السادات؛ روشنی، محمود (۱۳۹۵). قاعده تسیب و رابطه آن با قاعده اتلاف. مطالعات فقهی و فلسفی، ۲(۷)، ص ۷۳-۹۱.
- طوسی، ابی جعفر (۱۳۹۷). تهذیب الاحکام. قم: آل البيت، ج ۱.
- فخرالمحققین (۱۳۹۵). ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد. قم: نشر اسماعیلیان، ج ۱.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون جرائم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
- قانون مطبوعات، مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی.
- قانون مطبوعات، مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۹۶ مجلس شورای اسلامی و اصلاحات مصوب ۲۱ مرداد ۱۳۷۷ و ۳۰ فروردین ۱۳۷۹.
- محمصانی، صبحی رجب (۱۳۵۸). النظریات العامه للموجبات و العقود. ترجمه رحمان‌الدین جمالی. تهران: سازمان چاپ، ج ۱.
- مرتضایی، سید احمد؛ حسینی، سید ابراهیم (۱۳۹۲). آزادی بیان و مبانی و گستره آن از دیدگاه فقه و حقوق. معرفت حقوقی، ۲(۲)، ص ۴۹-۷۲.
- نجفی، شیخ محمدحسن (صاحب جواهر) (۱۳۶۵). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. تهران: انتشارات اسلامی، ج ۳۷، چاپ ششم.
- نقیب، عاطف (۱۹۸۴م). النظریه العامه للمسوریه الناشئه عن الفعل الشخصی. الجزایر: دیوان المطبوعات الجامعیه، ج ۱، چاپ سوم.